

بررسی وضعیت صنعت قالی بافی در بخش چترود از دیدگاه قالی بافان

فرهاد باباجامالی*، مریم ضیاءالدینی دشت خاکی**

چکیده

فرش دست باف به عنوان یک هنر دیرینه ایرانی و همچنین یک کسب و کار خانگی، همواره مورد توجه و منبع درآمد بسیاری از خانواده‌ها بوده است. بیشتر بافندگان فرش در روستاها زندگی می‌کنند و فرش بافی به عنوان یکی از صنایع کوچک، می‌تواند نقش کلیدی در توسعه روستاها ایفا کند. این پژوهش درصدد پاسخگویی به این سؤال است که وضعیت فرش دست باف در بخش چترود چگونه است و متغیرهای اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و مدیریتی چه تأثیری بر وضعیت قالی بافی در این بخش از منظر قالی بافان داشته است. این پژوهش از نوع پژوهش‌های کاربردی با استفاده از روش میدانی (کمی) از نوع توصیفی - تحلیلی است. جامعه آماری این پژوهش ۳۸۰ نفر از شهروندان بخش چترود است که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده‌اند. در این پژوهش از دو پرسش‌نامه استاندارد با پایایی ۰/۸۶ استفاده شده و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار spss21 و آزمون‌های همبستگی و رگرسیون استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مهم‌ترین عوامل رکود صنعت قالی بافی در بخش چترود عبارت است از: رشد نامناسب قیمت فرش دست باف در مقایسه با بهره‌وری کمتر فرش بافی نسبت به دیگر کالاها؛ گرایش خانواده‌ها به دیگر فعالیت‌های اقتصادی؛ گرایش روستاییان به سبک، شیوه و فرهنگ زندگی شهرنشینی؛ مشکلات بازاریابی فرش دست باف در مقیاس خرد و کلان؛ مهاجرت روستاییان به شهر؛ مشکلات بازاریابان فرش دست باف در مقیاس خرد و کلان؛ کم‌رنگ شدن سهم زنان در تأمین درآمد خانوار. بنابراین، استقرار و حمایت از صنایع کوچک بومی - محلی، نظیر فرش بافی در مناطق روستایی می‌تواند با ایجاد فرصت‌های شغلی متعدد و سطوح دستمزدی قابل رقابت با سطح دستمزد شهری، موجب معکوس شدن روند مهاجرت و افزایش میزان اشتغال در بین مردم شود.

کلیدواژه‌ها: صنایع دستی، کسب و کار خانگی، فرش، قالی، کرمان

*f.babajamali@aui.ac.ir

**maryamziaa80@gmail.com

* استادیار، دانشکده صنایع دستی، دانشگاه هنر اصفهان.

** دانشجوی کارشناسی ارشد هنر فرش، دانشکده صنایع دستی، دانشگاه هنر اصفهان (نویسنده مسئول).

مقدمه

صنعت فرش پدیده‌ای است که از بطن شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه برمی‌خیزد و یکی از مهم‌ترین دست‌یافته‌هایی است که در بسیاری از شهرها و روستاهای ایران، از جمله استان کرمان، افراد متعددی به صورت مستقیم و غیرمستقیم به تولید آن مشغول هستند. فرش از دیرباز تاکنون همواره به عنوان مهم‌ترین کالای صادراتی غیرنفتی مطرح بوده و به خاطر تنوعی که در طرح، رنگ، بافت و... دارد، جزو معدود کالاهایی است که مصرف‌کنندگان با سلاقی مختلف را تحت گستره خود قرار می‌دهد. در ایران، تولید محصول تا رسیدن آن به دست مصرف‌کننده، فاصله زمانی زیادی را طی می‌کند؛ همین خلأ باعث شده که کشورهای رقیب با توجه به شناخت سلاقی بازار و سفارش‌پذیری مطلوب، فرش‌های خود را روانه بازار کنند. کشورهای رقیب ایران بر این امر واقف‌اند که نسل جدید با تمایلاتی متفاوت با گذشته و با الگوی مصرفی متمایز وارد این عرصه شده است.

فرش دست‌باف یکی از معدود محصولات است که علاوه بر قابلیت‌های زیبایی‌شناختی و کاربردی، در حوزه اشتغال‌زایی نیز نقشی پررنگ را ایفا نموده است، اما این قابلیت‌ها در حوزه‌های جغرافیایی مختلف فرازونشیب‌های بسیاری را تجربه کرده‌اند که شاید یکی از مهم‌ترین این علل را بتوان در تغییرات سبک زندگی در میان تولیدکنندگان و البته مصرف‌کنندگان فرش دست‌باف جست‌وجو کرد. بر این مبنا، اولین قدم در مسیر برنامه‌ریزی به منظور حفظ و توسعه این هنر - صنعت، به‌ویژه با هدف اشتغال‌زایی در این عرصه، شناسایی دقیق و همه‌جانبه وضعیت تولید فرش دست‌باف در یک حوزه جغرافیایی و فرازونشیب‌های مرتبط با آن است.

با توجه به تغییرات اساسی در تقاضای فرش دست‌باف ایران و بازارهای جهانی و توجه به علل و اسباب این تغییرات، ضرورت شناخت سلاقی مصرف‌کنندگان فرش دست‌باف را دوچندان کرده است. بر همین اساس، در چنین شرایطی اهمیت دارد که وضعیت فرش دست‌باف بخش چترود از منظر تولیدکنندگان فرش دست‌باف به‌دقت بررسی شود. این امر فرصتی مناسب برای شرکت‌ها و سازمان‌ها ایجاد می‌نماید تا با تقویت امکانات و توانایی‌هایی خویش، سهم بیشتری را برای رونق این فرهنگ در مناطق مختلف ایجاد نمایند. به بیانی دیگر، تنها با داشتن تصویری شفاف و کامل از وضعیت فرش‌بافی یک منطقه، می‌توان با اطمینان بیشتری در مسیر توسعه آن گام برداشت.

چترود یکی از بخش‌های شهرستان کرمان در چهل کیلومتری شمال‌غربی این شهر و در مسیر کرمان - زرنند قرار گرفته است. مهم‌ترین صنایع دستی این بخش عبارت است از: قالی، جاجیم، گلیم، سفره، قالیچه ابریشم، به صورت دار افقی سنتی و همچنین دست‌باف‌های سنتی. فرش‌بافی از دیرباز عمده‌ترین محل درآمد خانوارها در این بخش از تولید و فروش فرش دست‌باف بوده و عوامل مختلفی در رکود صنعت فرش دست‌باف در این منطقه دخیل بوده است. بر همین اساس، این پژوهش درصدد پاسخگویی به این سؤال است که وضعیت فرش دست‌باف بخش چترود چگونه است و متغیرهای اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و مدیریتی تأثیرگذار بر وضعیت صنعت قالی‌بافی در بخش چترود از دیدگاه قالی‌بافان چگونه است.

ادبیات پژوهش

فرش با قدمتی هزاران ساله به عنوان میراث فرهنگی کشور، زمینه‌ساز ایجاد صدها فرصت شغلی و ارتزاق بخش زیادی از جمعیت است (علیزاده ثانی و شجاعیان، ۱۳۹۳: ۱). صنعت فرش‌بافی به عنوان محصول صادراتی غیرنفتی، از لحاظ اشتغال، به‌ویژه در مناطق روستایی جایگاه مهمی دارد و بخش چشمگیری از تولید ناخالص ملی را شامل می‌شود. بر اساس آمارهای مختلف، بیش از ۶۵ درصد از جمعیت فرش‌باف کشور در نواحی روستایی سکونت دارند (شم‌آبادی و حسینی، ۱۳۸۶: ۷).

تولید فرش دست‌باف در اقتصاد ایران، به دلیل بهره‌گیری از تکنولوژی ساده و کم‌هزینه، مواد اولیه ارزان، ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار و تحصیل درآمدهای ناشی از آن مزیت نسبی دارد (صابری، ۱۳۸۲: ۵۲۹). رونق این صنعت در نواحی روستایی علاوه بر کمک به رشد اقتصاد ملی، به بهبود وضعیت اقتصاد روستایی نیز می‌انجامد. همچنین، رکود این صنعت و فرهنگ در بسیاری از نواحی روستایی کشور کاهش درآمد خانوارهای روستایی را در پی دارد (میرتوکلی، ۱۳۸۸: ۵۵). بدون تردید، وضعیت صنایع کرمان، چه در گذشته و چه در زمان حال، تا حدود زیادی تحت تأثیر وضعیت سیاسی و نوع دیدگاه سیاستمداران و دولتمردان حاکم با این ایالت بوده است. به عبارت بهتر، رونق یا رکود صنایع کرمان در طول تاریخ، از نوع دیدگاه حاکمان و دولتمردان آن، تأثیر فراوان گرفته و تلاش این دولتمردان در ایجاد امنیت و آرامش سیاسی و اقتصادی می‌توانسته موجبات تعالی صنایع در قلمرو آنان را فراهم آورد یا بالعکس، سیاست‌های غلط، هرج‌ومرج و آشفتگی‌های اقتصادی موجبات رکود در صنایع و حرف گوناگون را فراهم نموده است (موسوی، ۱۳۹۹: ۲۲).

بلوک سرآسیاب کرمان که در نزدیکی هوتک و هشت فرسخی شمال شرقی کرمان واقع می‌باشد. جایی خوش آب و هواست. باغات مشجر زیاد دارد و انگور و انارش به خوبی ممتاز است. آب این قریه از دو رشته قنات، معروف به قنات باقری و از چشمه‌ای است که از کوه معروف به کوه تنگل آسیبی جاری است. دارای هزار تن سکنه است (تقریباً) و حمام بزرگی دارد که وکیل‌الملک آن را بنا نموده است. کاروانسرای خرابه‌ای دارد که از بناهای قدیم است. سه مسجد آباد و یک باب تکیه آباد در آنجا دیده می‌شود. این قریه یازده کارخانه شال بافی دارد که مشتمل بر چهل و یک دستگاه است. آسیاهای متعدد از قدیم و جدید متعلق به این قریه است. مزرعه اسماعیل آباد هم از توابع چترود است که ویران بود و آن را مرحوم محمداسماعیل خان وکیل‌الملک آباد کرد (رزم‌آرا، ۱۳۳۲: ۸).

این بخش در چهل کیلومتری شمال غربی این شهر و در مسیر کرمان - زرنند قرار گرفته است. بخش چترود دو دهستان به نام‌های کویرات و معزیه دارد. این بخش در شمال غربی شهرستان کرمان واقع شده و از شمال و شمال شرقی به بخش کوهساران از شهرستان راور، از شمال غرب به بخش مرکزی شهرستان زرنند، از غرب به بخش مرکزی شهرستان رفسنجان و از جنوب شرق و شرق به بخش مرکزی شهرستان کرمان محدود می‌شود. براساس تقسیمات کشوری در سال ۱۳۵۱، چترود به عنوان شهر شناخته و شهرداری در آن تأسیس شد. در سال ۱۳۷۴ به بخش تبدیل شد و دارای چهار دهستان به نام‌های کویرات، معزیه، هرروز و حرجند شد، تا اینکه در سال ۱۳۷۶ تغییراتی در محدوده این بخش به وجود آمد و دو دهستان هرروز و حرجند از بخش چترود منفک و به شهرستان جدیدالتأسیس راور ملحق شدند (رزم‌آرا، ۱۳۳۲: ۹).

مساحت و مختصات جغرافیایی

مساحت بخش چترود ۶۲۴/۸۷۵ کیلومتر مربع بوده و بین ۳۹ دقیقه و ۵۶ درجه تا ۱۰ دقیقه و ۵۷ درجه طول جغرافیایی و ۲۹ و ۳۰ تا ۴۴ تا ۳۰ عرض جغرافیایی قرار گرفته است. مشخصات عمومی بخش چترود شهرستان کرمان براساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۹۵، شرح مساحت ۸۷۵ کیلومتر مربع، تعداد ۲ شهر، تعداد ۲ دهستان، تعداد ۱۱۰ آبادی، تعداد ۹۴ آبادی دارای سکنه، تعداد ۱۶ آبادی خالی از سکنه می‌باشد. طبق آخرین آمار و اطلاعات ارائه شده، جمعیت شهرستان در سال ۱۳۹۵ معادل ۳۱۱۸۳ نفر بوده است که از این میزان ۹۹۲۰ نفر جمعیت شهری، معادل ۳۲ درصد و ۲۱۲۶۳ نفر جمعیت روستایی، معادل ۶۸ درصد را تشکیل می‌دهد (بی‌نا، ۱۳۹۵: ۳۸۰).

مارکوپولو، سیاح ونیزی، نیز به قالی کرمان اشاره داشته و آن را جزو مواردی دانسته که هم‌زمان با حکومت قراختایان از کرمان به سایر نواحی صادر می‌شده است (میلیونه، ۱۳۶۹: ۴۷). در مورد قالی بافی کرمان اطلاعاتی وجود ندارد، اما همین اندک هم سوابق قالی بافی را نشان می‌دهد که قالی کرمان در آن دوران جایگاه بالایی داشته است. به نقل بارتولد در مورد قالی بافی کرمان توجه نمایید: «در این زمان، علاوه بر شال‌های کرمان، قالی کرمان نیز اشتها خاصی دارد» (بارتولد، ۱۳۵۸: ۱۶۴). سوابق نشان می‌دهد که دوره صفویه شروع تحولی بزرگ در قالی بافی ایران است و در همین زمان، فرش کرمان از جایگاه بالایی برخوردار بوده است (گاوین و همکاران، ۱۳۸۰: ۲۰۹). دوران اوج قالی بافی در ایران و کرمان، دوران شاه‌عباس کبیر است، زیرا وی به دنبال مقاصد اقتصادی خود سعی کرد از صنایع دستی ایران حمایت کند و از آن سود سرشاری را به دست آورد و یکی از صنایع مورد حمایت، قالی بافی بود و کرمان یکی از مهم‌ترین کارگاه‌های قالی بافی این دوره بوده است (گلاب‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۹۵).

نگاهی به سفرنامه‌ها هم نشان می‌دهد که قالی کرمان از دیدگاه آنان هنری برجسته بوده است؛ از جمله تاجر و جهانگرد فرانسوی، انگلبرت کمپفر، هنگام بازدید از تالارهای پذیرایی کاخ‌های صفوی گفته است که من بهترین زینت تالار پذیرایی را فرش ذکر می‌کنم؛ آن‌ها را از بهترین کرک‌ها بافته‌اند. بیشتر فرش‌ها متعلق به کرمان است (کمپفر، ۱۳۶۰: ۲۵۱). البته ژان شاردن، جواهر فروش و جهانگرد فرانسوی، نیز مهم‌ترین و بهترین کارگاه‌های قالی بافی ایران را در کرمان می‌داند (شاردن، ۱۳۹۳: ۸۹۶). بدون شک، قالی کرمان در بین قالی‌های ایران دارای کیفیتی ممتاز بوده است، چه اینکه نقل قول گذشتگان نیز این گزاره را تأیید می‌کند (بنت، ۲۰۰۰: ۵۲-۵۱).

معرفی بخش چترود

در جلد هشتم «فرهنگ جغرافیایی ایران» آمده است: چترود دهی است از دهستان زنگی آباد بخش مرکزی شهرستان کرمان که در شصت و چهار هزار گزی شمال کرمان، سر راه فرعی کرمان به راور واقع شده است. جلگه و معتدل است و سه هزار تن سکنه دارد. چترود در تاریخ خود در جریان حملات غزها، بلوچ‌ها و رخ دادن زمین‌لرزه آسیب‌های فراوانی دیده است. آب آن از قنات و چشمه، محصولش انار، پسته، غلات و حبوبات است. شغل اهالی آن، زراعت، مکاری، پیله‌وری و قالی بافی بوده و راهش فرعی است. دبستان و پاسگاه ژاندارمری دارد. مؤلف «مرآت‌البلدان» درباره چترود می‌نویسد: «قریه‌ای است از

صنایع دستی بخش چترود

بافت قالی، جاجیم، گلیم، سفره، قالیچه ابریشم، به صورت دار افقی سنتی و همچنین دست باف‌های سنتی، مهم‌ترین صنایع دستی بخش چترود هستند.

قلم‌زنی: مسگری یکی از شاخه‌های فلزکاری است. مس تزیینی یا قلم‌زنی روی مس، از هنرهای دستی استان کرمان است که به دلیل وجود منابع غنی مس در این منطقه، از رونق خاصی برخوردار است. از انواع مصنوعات دستی که به این شیوه تولید می‌شوند، می‌توان به بشقاب، سینی، ساعت دیواری، جلد آینه، آباژور و... اشاره نمود. در همین راستا، کارگاه‌های محلی نیز در روستاهای رحیم‌آباد و کریم‌آباد آبنیل وجود دارد.

شال بافی: وجود بیش از ۳۰ کارگاه خانگی تولید شال سنتی در روستای هوتک و برخی روستاهای بخش، نوید خوش خروج این صنعت از بوتۀ فراموشی است. این صنعت با سابقۀ تاریخی‌ای که می‌رفت تنها یادی از آن در اذهان بماند، با همت تنها بازمانده بافندگان شال در روستای هوتک، مجدداً با آموزش علاقه‌مندان و زنان خانه‌دار روستا جانی تازه گرفته است و نیازمند توجه و عنایت ویژه مسئولان صنایع دستی است تا دوباره آوازه خود را باز یابد.

فرش بافی: از دیرباز عمده‌ترین محل درآمد خانوارها در این بخش، از تولید و فروش فرش دست‌باف بوده که پس از تغییر سبک در زندگی خانوارها و تنوع در کسب معاش روزمره، مثل رونق کشاورزی و باغداری، کار در معادن زغال‌سنگ و مهاجرت به شهرها، این صنعت نیز دچار رکود شد. با این همه، وجود مهارت و آمادگی و استقبال زنان خانه‌دار در بافت فرش دست‌باف، زمینه مناسبی برای احیا و رونق دوباره این صنعت فراهم شده است. نمونه موفق آن، استقبال زنان روستایی جهت حضور در کارگاه‌های فرش دست‌باف برای عتبات عالیات است (ساجدی، ۱۴۰۱: ۲۲).

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های مختلفی پیرامون وضعیت و تاریخ صنعت قالی بافی، به خصوص فرش دست‌باف، صورت گرفته است که بررسی آن‌ها می‌تواند کمک شایانی در فهم بهتر موضوع پژوهش داشته است. بر همین اساس، محمدی و همکارانش (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «شناخت و تحلیل عامل مؤثر بر رکود صنعت قالی بافی در نواحی روستایی از دیدگاه قالی بافان شهرستان گنبد کاووس» بیان می‌دارند که مقوله‌های ضعف سیاست‌های حمایتی دولت از فرش بافان و ضعف جنبه‌های اقتصادی در برنامه‌ریزی توسعه روستایی به ترتیب بیشترین

تأثیر را بر رکود صنعت فرش بافی و مقوله‌های ضعف خلاقیت و نوآوری در زمینه طرح، رنگ، نقشه و کیفیت مواد اولیه، و عقب‌ماندگی فنی و تکنولوژیکی در تولید فرش دست‌باف، به ترتیب کمترین تأثیر را بر رکود صنعت فرش بافی در روستاهای مورد مطالعه دارد. همچنین، افراخته و همکارانش (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «نقش قالی بافی در توسعه روستایی: مطالعه موردی کارگاه قالی بافی دهستان بالا ولایت کاشمر» بیان می‌دارند: احداث این کارگاه منشأ تحولات مثبت اجتماعی، اقتصادی و کالبدی در دهستان مورد مطالعه بوده است. استفاده از استعداد و دانش بومی مردم، سود مناسب، فقدان اثرات نامناسب زیست‌محیطی، ایجاد فرصت‌های شغلی، درآمد پایدار، افزایش کیفیت زندگی، بهبود راه و مسکن روستایی و گسترش کشت تجاری، از مهم‌ترین دستاوردهای احداث این شرکت بوده است. وصالی (۱۳۸۴) در پژوهش خود با عنوان «توسعه روستایی از درون: رویکرد قالی بافان در روستاهای کاشان؛ کامیابی‌ها و ناکامی‌ها» بیان می‌دارد که انواعی از نقش‌ها، پایگاه‌ها و نهادها را در خود جای داده است. آغاز هرگونه بررسی یا طرح هر پیشنهاد، مستلزم مطالعه و دقت در این عناصر و فهم روابط موجود در بین آن‌هاست. عناصر فرهنگی در حیات اجتماعی و اقتصادی، نقش مهمی ایفا می‌کنند. می‌توان ملاحظه نمود که در شهر کاشان و روستاهای اطراف، پدیده مذهب اهمیت حیاتی در زندگی ساکنان دارد. این عنصر، قوت لازم را به مردم و از جمله قالی بافان اعطا می‌کند. ساکنان روستایی که نقش‌ها و نهادهای مذهبی آن برجسته است، در فعالیت اقتصادی خود نیز توفیق یافته‌اند، اما در روستایی که وجود نهادهای مذهبی چندان قابل تشخیص نیستند، قالی‌های بافته شده نیز کیفیت مطلوب را ندارند و به قیمت ارزان فروخته می‌شوند! جامعه در صورتی قابلیت شکوفایی را به دست می‌آورد که صفات فرهنگی‌اش به شیوه‌ای معقول و فارغ از دخالت‌های نادرست مورد توجه قرار گیرند. پدیده مذهب به عنوان بخشی نیرومند می‌تواند از درون، توسعه اجتماعی را پشتیبانی کند. در همین راستا، رضوانی و همکارانش (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «شناخت و تحلیل عوامل مؤثر بر رکود صنعت قالی بافی در نواحی روستایی شهرستان ملایر» بیان می‌دارند که براساس دیدگاه پاسخگویان، مهم‌ترین علت رکود، گرایش خانواده‌های روستایی به سبک، شیوه و فرهنگ زندگی شهرنشینی و ناهمخوانی آن با سبک و شیوه زندگی، و کم‌اهمیت‌ترین علت نیز معیشت سنتی در روستا و مشکلات بهداشتی قالی بافی به سبک سنتی در خانه است. در ادامه می‌توان به پژوهش زمانی و طالبیان پور (۱۳۸۰) با عنوان «تأثیر آموزش‌های فنی حرفه‌ای (قالی بافی) بر اقتصاد

در داخل و به‌ویژه در سطح جهانی با مخاطرات جدی مواجه کرده است. تجربه موفق دیگر کشورها حاکی از توجه آن‌ها به واقعیت‌های محیط تجارت و دیگر عوامل تأثیرگذار است (شم‌آبادی و حسینی، ۱۳۸۶: ۵۰-۴۵). مهم‌ترین جنبه‌های اقتصادی فرش دست‌باف را می‌توان در اشتغال‌زایی، تحصیل ارز و کمک به بهبود اقتصاد روستا دانست. فرش دست‌باف به دلیل مرغوبیت و کاربری و قیمت تمام‌شده بالای آن، بیشتر مصرف خارجی دارد و بازار صادراتی آن نسبت به بازار داخلی بسیار گسترده‌تر است (عصاری آرانی و رضاقلی‌زاده، ۱۳۸۸: ۷۴)؛ بنابراین، هرگونه رکود در بازار صادراتی آن منجر به بیکاری و کاهش درآمد در میان بسیاری از شاغلین صنعت فرش می‌شود. با این استدلال، گسترش بازارهای صادراتی فرش اثر مثبتی بر افزایش رفاه و بالا رفتن درآمد سرانه روستاییان خواهد داشت.

آنچه این پژوهش را با سایر پژوهش‌ها متمایز می‌کند، در ابتدای امر، جغرافیای مورد مطالعه پژوهش است که تاکنون پژوهشی با این موضوع و با این روش در این بخش صورت نگرفته است. از طرفی، این پژوهش ضمن بررسی وضعیت قالی‌بافی در بخش چترود، سعی می‌کند متغیرهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی تأثیرگذار بر صنعت فرش دست‌باف را در این بخش با استفاده از روش کمی تجزیه و تحلیل کند که نتایج آن می‌تواند کمک شایانی به بهبود وضعیت فعلی قالی‌بافی در این منطقه و مناطق مشابه آن در استان کرمان به دلیل وضعیت نزدیک فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی داشته باشد.

روش‌شناسی

این پژوهش از نوع پژوهش‌های کاربردی بر پایه مطالعات توصیفی - تحلیلی (کمی) است. در ابتدا با استفاده از مطالعه کتابخانه‌ای و مراجعه به کتب، پایان‌نامه‌ها و مقالات مرتبط با موضوع، سعی می‌شود به بررسی وضعیت صنعت قالی‌بافی در بخش چترود از دیدگاه قالی‌بافان پرداخته شود و سپس با استفاده از روش مطالعه میدانی و ابزار پرسش‌نامه پیش‌ساخته توسط پژوهشگران به بررسی ابعاد مختلف آن پرداخته شود. میزان پایایی این بررسی ۰/۸۶ بوده و جامعه آماری این پژوهش کلیه شهروندان چترود (N=۲۶۰۰۰) هستند و روش نمونه‌گیری، خوشه‌ای هدفمند (براساس بلوک‌بندی بخش) و حجم نمونه مورد مطالعه در این پژوهش (N=۳۷۸) براساس جدول کوکران مورگان (N=۳۸۰) پرسش‌نامه تکمیل می‌شود. در روش نمونه‌گیری خوشه‌ای هدفمند، ابتدا بخش را به روستاهای مختلف تقسیم و سپس با بلوک‌بندی و مراجعه

روستاییان اشاره نمود که بیان می‌دارند: کاهش (کاهش تولید افراد خودناباور) بدین دلیل باشد که به احتمال چون افراد دارای خودباوری منفی، پیش از آموزش، به شیوه سنتی به تولید قالی پرداخته‌اند، پس از شرکت در کلاس‌های آموزشی، به دلیل داشتن انگاره‌های سنتی، شیوه‌های پیشنهادی نوین را نپذیرفته و ادامه نداده‌اند. همچنین، میرکتولی (۱۳۸۸) در بررسی دلایل اجتماعی کاهش کیفیت فرش دست‌باف ایران که در فاز اول آن به فرش ترکمن اشاره داشته است، به بررسی علل و عوامل مؤثر در ضعف کیفیت فرش ترکمن می‌پردازد. وی ضمن توجه به عناصر اجتماعی مؤثر در کیفیت فرش، نحوه آموزش، نوع مشارکت و میزان آن، پایگاه اجتماعی و روابط کار و تولید از طریق طرح فرضیاتی چون عدم رضایت شغلی، کمبود مشارکت و همکاری در عین نیاز شدید به آن، تضعیف پایگاه اجتماعی قالی‌باف در مقایسه با فعالان سایر بخش‌ها و رونق روش دست‌مزد قالی‌بافی پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان داده است که اکثریت قریب به اتفاق قالی‌بافان با دست‌مزد تعیین‌شده از سوی کارفرما مشغول به کارند و این موضوع از کیفیت محصول می‌کاهد و تمام توجه بافندگان را به کمیت معطوف می‌دارد. همچنین، آموزش سنتی و انتقال مهارت به شکل سینه‌به‌سینه و از طریق مادران و خویشاوندان، مهم‌ترین روش شکل‌گیری مهارت و توان فنی قالی‌بافان است. از طرفی، نبودن نظارت کافی و مؤثر کارفرمایان در سیستم دست‌مزدی‌بافی، سرمایه‌گذاری اندک تعاونی‌ها و نهادهای دولتی در فرایند تهیه مواد اولیه از یک‌سو و ناسالم بودن شبکه توزیع مواد اولیه مورد نیاز صنعت فرش ترکمن از سوی دیگر، موجب شده است که بافندگان از مواد نامرغوب استفاده کنند و این موضوع نیز باعث افت کیفیت فرش می‌شود. این در حالی است که جایگاه فرش در اقتصاد ملی و اشتغال‌زایی فرش دست‌باف ایران متأثر از ویژگی‌های برجسته فرهنگی و هنری آن در سده‌ها و دهه‌های گذشته، همواره به‌عنوان یکی از کالاهای برجسته، در سبد صادرات غیرنفتی ایران مطرح بوده و هست، به طوری که طی سال‌های متمادی، اولین و بالاترین ردیف ارزآوری در صادرات ایران و حدود ۷ درصد اشتغال کل کشور و معیشت چندمیلیون نفر را به خود اختصاص داده است (هاشمی، ۱۳۷۴: ۱۸۰). متأسفانه به دلیل معایب اساسی در ابعاد سازمانی، ساختاری، مدیریتی، تولیدی و به‌ویژه تجاری و بازرگانی، فرش ایران دوران افول و رکود شکننده‌ای را در عرصه رقابت‌های جهانی می‌پیماید و اکنون در شرایط بحرانی خاصی به سر می‌برد. از طرفی، بی‌توجهی به اصول و مبانی بازاریابی و تجارت که دربرگیرنده فرایند تولید آن نیز می‌شود، مزیت‌های رقابتی فرش دست‌باف را

به شهروندان به صورت تصادفی بین جامعه هدف، پرسش نامه توزیع می شود. به منظور تعیین حجم نمونه ای که باید از جامعه مورد مطالعه انتخاب شود و این افراد پاسخگوی پرسش نامه پژوهش باشند، با در نظر گرفتن سطح اطمینان ۹۵ درصد و خطای نمونه گیری قابل قبول ۵ درصد و پارامتر خصوصیت مورد انتظار ۵۰ به ۵۰، با توجه به فرمول نمونه گیری کوکران و محاسبه آن، ۳۷۸ نفر برآورد گردید. شیوه نمونه گیری با توجه به ماهیت جامعه آماری از نوع خوشه ای چندمرحله ای است که بین دهستان کویرات و دهستان معزیه و شهرهای چترود و کاظم آباد توزیع شد. در این پژوهش، جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات، از انواع آماره ها و آزمون های آماری، از جمله ترسیم جداول فراوانی یک متغیره و دو متغیره، ترسیم انواع نمودارها، محاسبه فراوانی، درصد فراوانی، میانگین، مد، میانه و محاسبه ضریب تأثیر استفاده شده است. در ضمن، کلیه مراحل تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS21 انجام گرفته است. همچنین، از آزمون های همبستگی (پیرسون) و همچنین برای اطمینان بیشتر از آزمون رگرسیون استفاده شده است.

یافته های پژوهش

ویژگی های زمینه ای

نتایج جدول ۱: در مورد جنسیت پاسخگویان، نتایج نشان می دهد که ۴۹/۱ درصد پاسخگویان زن و ۵۰/۹ درصد مرد

جدول ۱. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
زن	۱۶۵	۴۳/۴۲	۴۳/۴۲
مرد	۲۱۵	۵۶/۵۷	۱۰۰
جمع	۳۸۰	۱۰۰	

(نگارندگان)

جدول ۲. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت شغلی

وضعیت شغلی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
شاغل در بخش دولتی	۳۵	۹/۷۴	۹/۷۴
شاغل در بخش خصوصی	۱۰۱	۲۸/۱۳	۳۷/۸۷
بازنشسته	۴۰	۱۱/۱۴	۴۹/۰۱
بیکار، در جست و جوی کار	۴۰	۱۱/۱۴	۶۲/۱۵
دانشجو	۸۰	۲۲/۲۸	۸۳/۴
خانه دار	۶۳	۱۷/۵۴	۱۰۰
جمع	۳۵۹	۱۰۰	
بدون پاسخ	۲۱		

(نگارندگان)

هستند. همچنین، یافته های پژوهش نشان می دهد که از جامعه آماری پاسخ داده شده در این پژوهش ۴۳/۴۲ درصد پاسخگویان زن و ۵۶/۵۷ درصد مرد هستند و همچنین ۵۰/۲۶ درصد پاسخگویان متأهل، ۴۲/۳۶ درصد مجرد، ۲/۳ درصد بیوه و ۱/۳۱ درصد مطلقه هستند. از نظر سن، پاسخگویان به پنج دسته تقسیم شدند. نتایج یافته های پژوهش بیانگر آن است که سن ۴۶/۳۱ درصد از پاسخگویان بین ۱۸-۲۵ سال، ۲۹/۴۷ درصد ۲۶-۳۵ سال، ۱۱/۰۵ درصد ۳۶-۴۵ سال، ۱۰ درصد ۴۶-۶۰ سال و ۲/۸۹ درصد ۶۰ سال به بالا است. بیشتر پاسخگویان در فاصله سنی ۲۶-۳۵ سال هستند و میانگین سن پاسخگویان ۳۱ سال به دست آمده است. میزان تحصیلات نشان می دهد که ۱۳/۸ درصد از پاسخگویان زیر دیپلم، ۴۶/۳ درصد دیپلم، ۱۲/۶ درصد فوق دیپلم، ۲۲/۶۱ درصد لیسانس و ۴/۷ درصد هم دارای تحصیلات بالاتر از لیسانس هستند.

در مورد وضعیت شغلی، از میان پاسخگویان شاغل ۹/۷۴ درصد در بخش دولتی و ۲۸/۱۳ درصد در بخش خصوصی کار می کنند. ۱۱/۱۴ درصد بازنشسته، ۱۱/۱۴ درصد بیکار و در جست و جوی کار، ۲۲/۲۸ درصد دانشجو و ۱۷/۵۴ درصد خانه دار هستند.

تحلیل داده‌ها

مهم‌ترین عوامل اقتصادی، فرهنگی و مدیریتی تأثیرگذار بر رکود صنعت قالی‌بافی در بخش چترود چیست؟

یافته‌های حاصل از جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که مهم‌ترین عوامل رکود صنعت قالی‌بافی در بخش چترود

جدول ۳. عوامل رکود صنعت قالی‌بافی در بخش چترود

عوامل	موارد	خیلی زیاد		زیاد		تاحدی		کم		جمع کل	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
اقتصادی	رشد نامناسب قیمت فرش دست‌باف در مقایسه با بهره‌وری کمتر فرش بافی نسبت به دیگر کالاها	۶۰/۱	۷۶	۱۹/۴	۴۲	۱۰/۷	۳۸	۹/۷	۳۸۰	۱۰۰	۳۸۰
اقتصادی	گرایش خانواده‌ها به دیگر فعالیت‌های اقتصادی	۶۲/۱	۷۱	۱۸/۳	۴۴	۱۱/۳	۳۲	۸/۲	۳۸۰	۱۰۰	۳۸۰
اقتصادی	مشکلات بازاریابی فرش دست‌باف در مقیاس خرد و کلان	۴۶/۷	۱۱۶	۲۹/۷	۵۴	۱۳/۸	۳۸	۹/۷	۳۸۰	۱۰۰	۳۸۰
فرهنگی و اجتماعی	گرایش روستاییان به سبک، شیوه و فرهنگ زندگی شهرنشینی	۵۱/۲	۱۰۸	۲۷/۶	۶۴	۱۶/۴	۱۹	۴/۹	۳۸۰	۱۰۰	۳۸۰
فرهنگی و اجتماعی	مهاجرت روستاییان به شهر	۳۶/۷	۱۲۳	۳۱/۵	۶۸	۱۷/۴	۵۶	۱۴/۴	۳۸۰	۱۰۰	۳۸۰
مدیریتی	عقب‌ماندگی فنی و تکنولوژی در تولید فرش	۳۷/۸	۱۲۴	۳۲/۱	۷۶	۱۹/۷	۴۰	۱۰/۲	۳۸۰	۱۰۰	۳۸۰
فرهنگی و اجتماعی	کم‌رنگ شدن سهم زنان در تأمین درآمد خانوار	۴۵/۵	۹۰	۲۳/۳	۷۲	۱۸/۶	۴۹	۱۲/۷	۳۸۰	۱۰۰	۳۸۰
فرهنگی و اجتماعی	تمایل نداشتن دختران جوان روستایی به فرش‌بافی	۳۶/۳	۱۰۳	۲۳/۶	۸۰	۲۰/۵	۶۶	۱۶/۸	۳۸۰	۱۰۰	۳۸۰
فرهنگی و اجتماعی	گرایش خانواده‌های روستایی به سبک، شیوه و فرهنگ زندگی شهرنشینی	۳۱	۹۵	۲۴/۴	۱۰۵	۲۶/۹	۶۹	۱۷/۷	۳۸۰	۱۰۰	۳۸۰
مدیریتی	مشکلات بازاریابان فرش دست‌باف در مقیاس خرد و کلان	۲۷/۶	۹۱	۲۳/۵	۷۶	۱۹/۶	۱۱۴	۲۹/۴	۳۸۰	۱۰۰	۳۸۰

(نگارندگان)

فرش دست‌باف در مقیاس خرد و کلان؛ کم‌رنگ شدن سهم زنان در تأمین درآمد خانوار؛ گرایش خانواده‌های روستایی به سبک، شیوه و فرهنگ زندگی شهرنشینی؛ و تمایل نداشتن دختران جوان روستایی به فرش‌بافی.

مهم‌ترین راهکارهای اقتصادی، فرهنگی و مدیریتی تأثیرگذار بر افزایش صنعت قالی‌بافی در بخش چترود چیست؟

یافته‌های حاصل از جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که مهم‌ترین راهکارهای افزایش صنعت قالی‌بافی در بخش چترود عبارت‌اند از: سیاست‌های حمایتی دولت از فرش‌باغان (بیمه و...); برنامه‌ریزی توسعه روستایی در رونق‌بخشی به تولید صنعت فرش دست‌باف؛ رشد مناسب قیمت فرش دست‌باف در مقایسه با دیگر کالاهای تولیدی؛ فرایند آموزش مهارت‌های فرش‌بافی توسط نهادهای مسئول؛ و رفع عقب‌ماندگی فنی و تکنولوژیکی.

رابطه بین متغیرهای اقتصادی با رکود صنعت فرش دست‌باف در چترود چگونه است؟

یافته‌های حاصل از جدول شماره ۵ (آزمون تفاوت میانگین بین متغیرهای اقتصادی با رکود صنعت فرش دست‌باف در چترود) بیانگر آن است که میزان رکود اقتصادی بین زنان و مردان تفاوت معناداری دارد و میانگین تأثیر اقتصادی در بین مردان بیشتر از این رقم بین زنان است. سطح معناداری (۹۹ درصد اطمینان) صحت این رابطه را تأیید می‌کند.

رابطه بین متغیرهای فرهنگی، اجتماعی با رکود صنعت فرش دست‌باف در چترود چگونه است؟

یافته‌های حاصل از جدول شماره ۶ (آزمون تفاوت میانگین بین متغیرهای فرهنگی و اجتماعی با رکود صنعت فرش دست‌باف در چترود) بیانگر آن است که میزان عوامل فرهنگی و اجتماعی به ترتیب عبارت‌اند از: گرایش خانواده‌های روستایی به سبک، شیوه و فرهنگ زندگی شهرنشینی؛ زوال فرایند

جدول ۴. راهکار افزایش صنعت قالی‌بافی در بخش چترود

عوامل	موارد	با ترس زیاد		تاحدی		با ترس کم		اصلاً نمی‌ترسم		جمع کل	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
مدیریتی	اعمال سیاست‌های حمایتی دولت از فرش‌باغان (بیمه و...)	۵۶/۳	۹۹	۲۵/۳	۴۳	۱۱	۲۹	۷/۴	۳۸۰	۱۰۰	۳۸۰
مدیریتی	برنامه‌ریزی توسعه روستایی در رونق‌بخشی به تولید صنعت فرش دست‌باف	۴۷/۳	۱۲۰	۳۰/۷	۵۵	۱۴/۱	۳۱	۷/۹	۳۸۰	۱۰۰	۳۸۰
اقتصادی	رشد مناسب قیمت فرش دست‌باف در مقایسه با دیگر کالاهای تولیدی	۴۵/۸	۱۱۸	۳۰/۲	۶۳	۱۶/۱	۳۱	۷/۹	۳۸۰	۱۰۰	۳۸۰
اقتصادی	رفع عقب‌ماندگی فنی و تکنولوژیکی در تولید فرش دست‌باف	۴۴/۶	۱۳۹	۳۵/۵	۵۶	۱۴/۳	۲۲	۵/۶	۳۸۰	۱۰۰	۳۸۰
فرهنگی و اجتماعی	فرایند آموزش مهارت‌های فرش‌بافی توسط نهادهای مسئول	۵۲/۳	۱۰۸	۲۷/۷	۵۷	۱۴/۶	۲۱	۵/۴	۳۸۰	۱۰۰	۳۸۰

(نگارندگان)

عبارت‌اند از: عامل اقتصادی با ضریب همبستگی ۰/۱۱۵ و سطح معناداری ۰/۰۲۱؛ عامل فرهنگی و اجتماعی با ضریب همبستگی ۰/۰۰۱- و سطح معناداری ۰/۹۷۷؛ عامل مدیریتی با ضریب همبستگی ۰/۰۳۲ و سطح معناداری ۰/۴۰۳.

تحلیل واریانس بین عوامل تأثیرگذار بر رکود صنعت فرش دست‌باف در بخش چترود:

آموزش نسل به نسل مهارت‌های فرش‌بافی؛ مشکلات بهداشتی فرش‌بافی به سبک سنتی در خانه؛ سختی کار قالی‌بافی و آسیب‌های جسمی ناشی از آن.

ضریب همبستگی پیرسون؛ رابطه بین عوامل تأثیرگذار بر رکود صنعت فرش دست‌باف در بخش چترود:

نتایج بررسی حاکی از آن است که مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در رکود صنعت فرش دست‌باف در بخش چترود به ترتیب

جدول ۵. آزمون تفاوت میانگین بین متغیرهای اقتصادی با رکود صنعت فرش دست‌باف

موارد	جنس	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	مقدار T	سطح معناداری
افزایش قیمت فرش دست‌باف در مقایسه با بهره‌وری کمتر فرش‌بافی نسبت به دیگر کالاها	زن مرد	۵۲/۱۶ ۴۷/۸۴	۱۳/۰۶۶ ۱۳/۰۵۵	۳۹۱ ۳۹۰/۴۷	-۶/۰۸۹	۰/۰۰۰
گرایش خانواده‌ها به دیگر فعالیت‌های اقتصادی	زن مرد	۳۱/۴۴ ۴۳/۵۵	۸/۴۰ ۷/۵۸	۳۹۱ ۳۸۳/۷۴	-۶/۰۶۷	۰/۰۰۰
مشکلات بازاریابی فرش دست‌باف در مقیاس خرد و کلان	زن مرد	۱۱/۴۴ ۳۲/۲۴	۲/۸۰ ۳/۳۷	۳۹۱ ۳۸۲/۷۵	-۲/۵۴۰	۰/۰۱۱
دستیابی روستاییان به منابع معیشتی جدید	زن مرد	۲۵/۲۴ ۲۷/۴۵	۵/۷۹ ۵/۹۲	۳۹۱ ۳۹۰/۹۲	۰/۹۲۵	۰/۰۴۳

(نگارندگان)

جدول ۶. آزمون تفاوت میانگین بین متغیرهای فرهنگی، اجتماعی با رکود صنعت فرش دست‌باف

موارد	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	مقدار T	سطح معناداری
زوال فرایند آموزش نسل به نسل مهارت‌های فرش‌بافی	۶۶/۶۸	۱۶/۰۲۲	۴۰۱/۰۳	-۵/۰۸۹	۰/۰۰۰
گرایش خانواده‌های روستایی به سبک، شیوه و فرهنگ زندگی شهرنشینی	۷۰/۲۶	۱۷/۴۰	۴۲۰/۰۵	-۴/۰۶۷	۰/۰۰۰
مشکلات بهداشتی فرش‌بافی به سبک سنتی در خانه	۶۶/۲۶	۱۵/۵۹	۳۸۳/۰۴	-۶/۲۳۰	۰/۰۹
سختی کار قالی‌بافی و آسیب‌های جسمی ناشی از آن	۶۳/۷۵	۱۳/۷۸	۳۰۱/۸۹	۷-۹۲۵	۰/۰۱۴

(نگارندگان)

جدول ۷. ضریب همبستگی پیرسون؛ رابطه بین عوامل تأثیرگذار بر رکود صنعت فرش دست‌باف

متغیر	عامل اقتصادی	عامل فرهنگی و اجتماعی	عامل مدیریتی
رکود صنعت قالی‌بافی	۰/۱۱۵ ^۱	-۰/۰۰۱	۰/۰۳۲
	۰/۰۲۱ ^۲	۰/۹۷۷	۰/۴۰۳

۱- ضریب همبستگی ۲- سطح معناداری

(نگارندگان)

جدول ۸. تحلیل واریانس یک طرفه رابطه وضعیت تأهل و احساس امنیت

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	نسبت F	سطح معناداری
عامل اقتصادی	میان گروه	۳	۱/۲۸۸	۰/۲۳۲
	درون گروه	۳۷۸		
	کل	۳۸۱		
عامل فرهنگی و اجتماعی	مرد	۳	۲/۸۰۰	۰/۰۳۸
	زن	۳۷۸		
	کل	۳۸۱		
عامل مدیریتی	مرد	۳	۱/۵۰۰	۰/۱۹۸
	زن	۳۷۸		
	کل	۳۸۱		

(نگارندگان)

نتیجه گیری

فرش دستباف به عنوان یک هنر - صنعت دیرینه ایرانی و همچنین یک کسب و کار خانگی همواره مورد توجه و منبع درآمد بسیاری از خانواده‌ها بوده است. بیشتر بافندگان فرش در روستاها زندگی می‌کنند و صنعت فرش به عنوان یکی از صنایع کوچک، می‌تواند نقش کلیدی در توسعه روستاها ایفا کند. به نظر کارشناسان، یکی از راه‌هایی که دولت می‌تواند برای رسیدن به توزیع عادلانه درآمد مدنظر داشته باشد، ایجاد اشتغال، رفع مشکل بیکاری، کاهش روند مهاجرت روستاییان به شهرها و تعدیل درآمدهای شهری و روستایی است که با توجه به شکاف درآمدی ایجاد شده در سال‌های اخیر، تشدید شده است.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مهم‌ترین عوامل رکود صنعت قالی بافی در بخش چترود عبارت‌اند از: دستیابی روستاییان به منابع معیشتی جدید؛ عقب ماندگی فنی و تکنولوژیکی در تولید فرش دستباف؛ کم‌رنگ شدن سهم زنان در تأمین درآمد خانوار؛ رکود درآمدی به دلیل رشد کم و نامناسب قیمت فرش دستباف در مقایسه با دیگر کالاها؛ بهره‌وری کمتر فرش بافی در مقایسه با دیگر فعالیت‌های اقتصادی؛ گرایش خانواده‌های روستایی به سبک، شیوه و فرهنگ زندگی شهرنشینی؛ تمایل نداشتن دختران جوان روستایی به فرش بافی؛ زوال فرایند آموزش نسل به نسل مهارت‌های فرش بافی؛ مشکلات بهداشتی فرش بافی به سبک سنتی در خانه؛ مهاجرت روستاییان به شهر و کاهش تعداد جمعیت فرش باف روستایی؛ سختی کار قالی بافی و آسیب‌های جسمی ناشی از آن؛ ضعف خلاقیت و نوآوری در زمینه طرح، رنگ، نقشه و کیفیت مواد اولیه؛ افزایش قیمت و گرانی مواد اولیه تولید فرش دستباف؛ ضعف جنبه‌های اقتصادی در برنامه‌ریزی توسعه روستایی؛ ضعف سیاست‌های حمایتی دولت از فرش بافان؛ و مشکلات بازاریابی فرش دستباف در مقیاس خرد و کلان.

نتایج کلی پژوهش بیانگر این موضوع است که در بخش چترود، از دیرباز، عمده‌ترین محل درآمد خانوارها از تولید و فروش فرش دستباف بوده که پس از تغییر سبک در زندگی خانوارها و تنوع در کسب معاش روزمره، مثل رونق کشاورزی و باغداری، کار در معادن زغال سنگ و مهاجرت به شهرها، این صنعت نیز دچار رکود شده است. با این همه، وجود مهارت و آمادگی و استقبال زنان خانه‌دار در بافت فرش دستباف، زمینه مناسبی جهت

احیا و رونق دوباره این صنعت است. نمونه موفق آن، استقبال زنان روستایی جهت حضور در کارگاه‌های فرش دستباف برای عتبات عالیات است. بنابراین، استقرار و حمایت از صنایع کوچک بومی - محلی نظیر فرش بافی در مناطق روستایی می‌تواند مانند پلی ارتباطی، رابطی بین تولیدات بخش کشاورزی، دامداری و صنعت باشد. صنایع کوچکی مثل فرش بافی قادر است برای فعالیت خود از نیروی انسانی مازاد بخش کشاورزی، دامداری و باغبانی به صورت دائمی، پاره‌وقت یا فصلی استفاده کند و با ایجاد فرصت‌های شغلی متعدد و سطوح دستمزدی قابل رقابت با سطح دستمزد شهری، موجب معکوس شدن روند مهاجرت و افزایش میزان اشتغال در بین مردم شود. با شناخت وضعیت اشتغال در این بخش می‌توان رویکردی منسجم‌تر و مطمئن‌تر داشت. تأکید و تمرکز پژوهش بر مطالعه نیروی انسانی شاغل در تولید فرش دستباف به طور اعم و حد مطلوب اشتغال در این بخش به طور اخص بوده است. نیروهای انسانی شاغل در زمینه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی در محیطی فعالیت می‌کنند که کنش عاملان در آن شکل می‌گیرد. این کار نیازمند برنامه‌ریزی، اجرا و کنترل صحیح و به موقع است تا با کمک هنر - صنعت فرش بافی در کنار سایر فعالیت‌های کشاورزی، دامداری و باغبانی، ضمن اشتغال‌زایی، اقتصاد خانوار ایرانی فعال‌تر و موجب افزایش درآمد و رفاه آنان شود. بر همین اساس، پیشنهاد می‌شود استفاده از استعداد و دانش بومی مردم، سود مناسب، فقدان اثرات نامناسب زیست‌محیطی، ایجاد فرصت‌های شغلی، درآمد پایدار، افزایش کیفیت زندگی، بهبود راه و مسکن روستایی و گسترش کشت تجاری، از مهم‌ترین دستاوردهای احداث این شرکت بوده است.

در پایان، از تمامی بزرگوارانی که در تهیه این پژوهش ما را یاری نمودند، به خصوص آقای دکتر وحید عضدی، کمال تشکر و قدردانی را دارم.

منابع و مآخذ

- افراخته، حسن؛ اسکندری ثانی، محمد و اسمعیل نژاد، مرتضی (۱۳۸۸). نقش قالی بافی در توسعه روستایی: مطالعه موردی کارگاه قالی بافی دهستان بالا ولایت کاشمر. *روستا و توسعه*، سال دوازدهم (۱)، ۲۸-۱.
- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۸۴). *تاریخ مغول*. چاپ هفتم، تهران: امیرکبیر.
- بارتولد، واسیلی (۱۳۵۸). *تذکره جغرافیای تاریخ ایران*. ترجمه حمزه سردادور، تهران: قومس.
- بی‌نا (۱۳۹۵). *آمار جمعیتی سازمان ثبت احوال کشور ایران*. جلد دوم، تهران: وزارت کشور.
- پرهام، سیروس (۱۳۶۴). *دست‌بافت‌های عشایری و روستایی فارس*. جلد اول، چاپ اول، تهران: امیرکبیر.
- رزم‌آرا، حسین (۱۳۳۲). *فرهنگ جغرافیایی ایران*، جلد هشتم، چاپ اول، تهران: دایره جغرافیایی ستاد ارتش.
- رضوانی، محمدرضا؛ بیات، ناصر؛ رستگار، ابراهیم و قنبری‌نسب، علی (۱۳۹۲). شناخت و تحلیل عوامل مؤثر بر رکود صنعت قالی بافی در نواحی روستایی (مطالعه موردی: شهرستان ملایر). *مطالعات جغرافیایی مناطق خشک*، دوره ۳ (۱۱)، ۵۱-۳۵.
- زمانی، غلامحسین و طالبیان‌پور، محمدجعفر (۱۳۸۰). تأثیر آموزش‌های فنی - حرفه‌ای (قالی بافی) بر اقتصاد روستاییان. *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، دوره ۹ (۳۴)، ۳۲۶-۳۰۱.
- ژوله، تورج (۱۳۸۱). *پژوهشی در فرش ایران*، چاپ اول، تهران: یساولی.
- ساجدی، حمید (۱۴۰۱). «*جرائم ارتكابی اتباع بیگانه و تأثیر آن بر احساس امنیت شهروندان چترود*». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمان.
- شاردن، ژان (۱۳۹۳). *سفرنامه شاردن*. ترجمه اقبال یغمایی، جلد دوم، چاپ دوم، تهران: توس.
- شم‌آبادی، محمدعلی و خداداد حسینی، سید حمید (۱۳۸۶). بازاریابی صادرات فرش دستباف ایران، بررسی عوامل مؤثر و آسیب‌شناسی. *پژوهشنامه بازرگانی*، دوره ۱۱ (۴۳)، ۳۴-۱.
- صابری، ابراهیم (۱۳۸۶). *جایگاه فرش دستباف در اشتغال شهری و روستایی*. مجموعه مقالات سمینار ملی پژوهش فرش دستباف، جلد دوم، مرکز تحقیقات فرش دستباف ایران.

- عساری آرانی، عباس و رضاقلی زاده، مهدیه (۱۳۸۸). بررسی سیاست‌های حمایتی و مزیت نسبی در تولید فرش دست‌باف. *دانش و توسعه*، سال شانزدهم، دوره ۱۶ (۲۸)، ۴۵-۷۶.
- عزیززاده ثانی، محسن و شجاعیان، امیر (۱۳۹۳). شناسایی و اولویت‌بندی عوامل موفقیت خوشه صنعتی فرش دست‌بافت خراسان شمالی. *گلجام*، ۱۰ (۲۵)، ۸۵-۱۰۰.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۰). *سفرنامه کمپفر*. ترجمه کیکاووس جهاننداری، چاپ دوم، تهران: خوارزمی.
- گلاب‌زاده، محمدعلی (۱۳۹۴). *تاریخ اقتصاد و تجارت کرمان از هزاره نهم پیش از میلاد*. چاپ اول، کرمان: ولی.
- محمدی استادکلایه، امین؛ بیات، ناصر؛ خراسانی، محمدمبین و نیک‌روش، راحله (۱۳۹۵). شناخت و تحلیل عوامل مؤثر بر رکود صنعت قالی بافی در نواحی روستایی از دیدگاه قالی‌بافان شهرستان گنبد کاووس. *انجمن علمی فرش ایران*، (۳۰)، ۶۷-۸۱.
- موسوی، سید مختار (۱۳۹۹). «صنایع کرمان از آغاز سده هفتم تا پایان سده دوازدهم هجری». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تاریخ ایران اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه باهنر کرمان.
- میرکتولی، جعفر (۱۳۸۸). بررسی علل اقتصادی - اجتماعی کاهش کیفیت فرش ترکمن. *تحقیقات جغرافیایی*، (۹۴)، ۵۱-۶۶.
- میلیون، ایل (۱۳۶۹). *سفرنامه مارکوپولو*. ترجمه منصور سجادی و آنجلای جوانی‌رومانو، چاپ اول، تهران: بوعلی.
- هاشمی، مریم (۱۳۷۴). نقش اقتصادی - اجتماعی زنان روستایی قالی‌باف. *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال سوم (ویژه‌نامه نقش زنان در کشاورزی)، ۱۷۹-۲۰۲.
- هامبلی، گاوین؛ باسورث، کلیفورد ادموند و لمبتون، آن (۱۳۸۰). *تاریخ ایران کمبریج*. ترجمه تیمور قادری، حسن انوشه و مرتضی ثاقب‌فر، تهران: مهتاب.
- وصالی، سید سعید (۱۳۸۴). توسعه روستایی از درون: رویکرد قالی‌بافان در روستاهای کاشان؛ کامیابی‌ها و ناکامی‌ها. *روستا و توسعه*، سال هشتم (۴)، ۴۳-۷۷.
- Bennett, R. J. and Robinson, S. L. (2000). Development of a Measure of Workplace Deviance. *Journal of Applied Psychology*, (85) 349-360.

Received: 2023/03/05

Accepted: 2023/06/27



Investigating the Situation of the Carpet Weaving Industry in Chetroud from the Point of View of Carpet Weavers

Frhad babajamali*Maryam Ziaaldini Dasht Khaki* *

Abstract

Handwoven carpet as an ancient Iranian art-craft and also as a home business has always been of interest and is a source of income for many families. Most carpet weavers live in villages and the carpet industry, as one of the small industries, can play a key role in the development of villages. The purpose of this research is to answer the question of what is the condition of handwoven carpets in Chatroud sector and how economic, cultural, social and managerial variables have affected the situation of the carpet weaving industry in Chatroud sector from the point of view of carpet weavers. This research is an applied research using a descriptive-analytical field method. The statistical population of the research were 380 people from the residents of Chatroud district, who used the purposeful cluster sampling method to study the sample size and distributed two standard questionnaires with a reliability of 0.86. The results of the research show that the most important factors of the recession of the carpet weaving industry in Chatroud are: Inappropriate growth of the price of hand-woven carpets in comparison with the lower productivity of carpet-weaving in comparison with other goods, the tendency of families with other economic activities, the tendency of rural people to the style, way and culture of urban life, the problems of marketing hand-woven carpets on a micro and macro scale, and the migration of villagers to the city. Handwoven carpet marketers on a micro and macro scale is the diminution of women's contribution to providing household income. Therefore, the establishment and support of small native-local industries such as carpet weaving in rural areas can reverse the migration process and increase the employment rate among the people by creating numerous job opportunities and wage levels that can compete with the urban wage level.

Keywords: Handicrafts, Home business, Handwoven carpet, Carpet weaving, Kerman

* M.A. student of carpet art, Isfahan University of Art, Iran. (Corresponding author).

maryamziaa80@gmail.com

** Ph.D. in Geography, Geomorphology, Assistant Professor, Isfahan University of Art.

f.babajamali@aui.ac.ir